



تفاوت مبانی انسان‌شناسی اسلام و غرب/ غایت انسان‌شناسی قرآن ملاقات خداوند است

عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با اشاره به اینکه انسان‌شناسی اسلام و غرب تفاوت مبانی با یکدیگر دارند، بیان کرد: در انسان‌شناسی اسلام انسان می‌خواهد «كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَذًّا فَمَا لَهُ بِهِ نَجِيَّةٌ» باشد و برای رسیدن به قرب الهی به این دنیا آمده است.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با اشاره به اینکه انسان‌شناسی اسلام و غرب تفاوت مبانی با یکدیگر دارند، بیان کرد: در انسان‌شناسی اسلام انسان می‌خواهد «كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَذًّا فَمَا لَهُ بِهِ نَجِيَّةٌ» باشد و برای رسیدن به قرب الهی به این دنیا آمده است.

حجت‌الاسلام والمسلمین مصطفی دانش‌پژوه، عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، با بیان این مطلب که در بحث تفاوت مبانی حقوق بشر اسلامی و حقوق بشر غربی باید در ابتدا به تعریف دقیق واژگان بپردازیم، اظهار کرد: در این جا، زمانی که مبنا و منبع را از منظر خود بیان کنیم شاید با مفهومی که در منظر دیگران است، متفاوت باشد و به همین جهت نمی‌تواند پاسخ دقیقی باشد؛ در همین زمینه گاهی اوقات، ممکن است مبنا از منظر ما مقدم بر منابع باشد و گاهی اوقات نیز از منظر دیگران، این قضیه، برعکس باشد.

وی افزود: در این بحث‌ها مبنا را به معنی زیرساختها و بنیادها به کار می‌بریم؛ پس باید بگوییم که آیا حقوق به طور کلی مبنا و بنیادی دارد یا خیر؟ برخی از عملا بر این عقیده‌اند که حقوق و حق‌ها که در قواعد حقوقی تجلی پیدا می‌کنند یا بی‌بنیاد هستند و یا خود بنیاد که با این‌ها در این قسمت، بحثی نداریم.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تصریح کرد: در این بحث باید به سراغ کسانی که قائل به مبانی داشتن این حق‌ها هستند، برویم و با فرض این که این حق‌ها دارای مبانی هستند، به بحث بپردازیم؛ باید ببینیم که این مبانی چیست که در این بخش، یکی از مبانی مهم و تاثیرگذار در این مسئله خود مفهوم انسان و تعریفی است که از انسان ارائه می‌شود.

این پژوهشگر حوزوی، تصریح کرد: دلیل این بحث مهم انسان‌شناسی نیز آن است که ما در حقوق از حق در حق انسان بحث می‌کنیم و حق خدا و سایر موجودات در این گفتار جای بحث ما نیست؛ مفهوم ما نیز در این بحث، حق و حقوقی است که در روابط اجتماعی‌اش از آن برخوردار است؛ از سوی دیگر مراد ما حق‌های حقوقی است؛ نه اخلاقی؛ در عالم اخلاق نیز حق‌هایی مطرح می‌شود؛ محور این حق‌های حقوقی که در قلمرو مقررات حقوقی و... تجلی پیدا می‌کند، انسان است و تا انسان تعریف نشود نمی‌توان به درستی، حق‌های او را تبیین کرد.

وی عنوان کرد: یکی از مبانی بسیار مهم در تبیین کل قواعد حقوقی و حق‌هایی که امروز تحت عنوان حقوق بشر مطرح می‌شود، اعلامیه جهانی حقوق بشر است که البته این اعلامیه بیش از آن که از حقوق سخن گفته باشد، به تکالیف پرداخته است؛ در این زمینه باید با کنکاش در مبانی این اعلامیه، و اندیشه‌های نویسندگان نیز توجه کرد که از چه مسیری به این حق رسیده‌اند؛ نکته جالب آن که، هیچ جایی در این اعلامیه، تصریح نشده است که مبانی این اعلامیه از کجا استخراج شده است.

دانش پژوه در تشریح اعلامیه حقوق بشر، گفت: در مقدمه اعلامیه حقوق بشر مطالبی آمده است که از ضرورت تدوین آن سخن گفته است؛ از جمله وضعیت شکل‌گیری این اعلامیه و بیان ضرورت زمانی این اعلامیه همچون ترس، فقر اختلاف طبقاتی، ترس از جنگ دوباره جهانی و... ولی اینکه خود این اعلامیه بر چه مبانی استوار است، در متن خود اعلامیه، تصریحی در این خصوص صورت نگرفته است.

وی افزود: در این بحث مباحثی مطرح شده است مبنی بر اینکه این اعلامیه برگرفته شده از نظرات کانت و یا نحله‌های فلسفی و سیاسی است ولی این گونه مباحث، مباحث نظری است که اتفاقاً ممکن است درست هم باشد؛ مراد ما از انسان‌شناسی، حقوقی است و نه اخلاقی و عرفانی؛ در ماده یک، از اعلامیه جهانی حقوق بشر بیش از آنکه به حق و تکلیف اشاره کند به همین انسان‌شناسی پرداخته است؛ در ماده یک، تصریح می‌شود که همه افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و همه دارای عقل و وجدان هستند و باید نسبت به هم با عدالت و برادری رفتار کنند؛ در اینجا، منظور این است که حق‌های انسان‌ها مساوی است و بقیه بحث، در حوزه انسان‌شناسی

مدرس حوزه و دانشگاه، بیان کرد: در این اعلامیه، اصل بر آزادی انسان گذاشته شده است و اینکه ممکن است که بگوید که از منظری انسان‌ها با هم از نظر حقوقی برابرند؛ ممکن است برخی بگویند از نظر عقل و وجدان برابری ولی ممکن است برخی بگویند که این‌ها با هم برابر نیستند؛ در این زمینه می‌توان عنوان کرد که بر این مبنا چه مقدار حق‌ها را می‌توان بر انسان بار کرد که در اعلامیه آمده است.

وی افزود: نکته‌ای که در این جا باید به آن توجه کرد، آن است که در اعلامیه حقوق بشر، سخنی از مبانی وجود و مبدا آفرینش او نیامده است؛ حال، این سوال مطرح می‌شود که این خود آفریدگی آیا تاثیری در شکل‌گیری این نظام حقوقی دارد یا خیر؛ از جهت ظاهری هم در این اعلامیه، هدف وجود آدمی و آفرینش وی آورده نشده است؛ پس این سوال که وی از کجا آمده و به کجا می‌رود نیامده است؛ ما در اندیشه اسلامی با فرض تساوی مردم از نظر عقل و وجود وی می‌گوییم، «الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ«؛ پس این انسانی که برای رسیدن به قرب الهی آمده است با این انسان مورد نظر اعلامیه حقوق بشر فرق دارد؛ وقتی ما می‌خواهیم حقوق این انسان را معین کنیم؛ انسان خلق شده که به ملاقات رب خود برسد او می‌خواهد «كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهٌ« باشد و وقتی این مبنا را بپذیریم، می‌بینیم که در این نگاه با آنها اشتراك نداریم؛ البته این سخن بدان معنا نیست که اصلاً با آنها اشتراك نداریم؛ گاهی اوقات انسان بر اساس فطرتش يك بحث را مطرح می‌کند که در این زمینه اشتراكات فراوانی وجود دارد؛ از این نظر که هیچ کسی نمی‌تواند بگوید که یتیم آزاری و زورگویی به مردم کار خوبی است؛ چون فطرتاً در تمام جهان، این حرکت را بسیار بد توصیف می‌کنند.

وی ادامه داد: حقوق بشر برای انسان است؛ البته از آن جهت که انسان است زیرا وقتی این تعریف را ارائه می‌کنند يك نتیجه هم می‌گیرند و می‌گویند که این حقوق، حقوق ذاتی آدمی است و البته برخی اوقات نیز آن را حقوق طبیعی بر می‌شمرند؛ ولی وقتی به اعلامیه نظر می‌افکنیم، می‌بینیم که این گونه نیست و همه حق‌هایی که در اعلامیه آمده بیشتر حق قراردادی است؛ ممکن است يك وقتی يك اصل بتواند همه قراردادها را نسخ کند ولی بالاخره حقوق بشر برای همه آحاد بشر مطرح است.

این استاد حوزه و دانشگاه تصریح کرد: البته در اینجا يك پرسش مطرح می‌شود که وقتی گفته می‌شود که انسان‌شناسی اسلام و بعد می‌گوییم حقوق بشر اسلامی یا از دیدگاه اسلام، ممکن است بگوییم که چرا این پسوند بعد از حقوق بشر افزوده شده است؛ نگاه اسلامی درباره حقوق بشر منافاتی با انسان شمول بودن و جهان شمول بودن ندارد؛ آنچه که مهم است این است که ممکن است نگاه اسلامی و غیر اسلامی در پاره‌ای از حق‌ها و تکلیف‌ها فرق داشته باشد ولی فارغ از اینکه تکلیف انسان هست یا نیست یا کسی که می‌گوید حق انسان است برای همه انسان‌ها می‌گوید و کسی که می‌گوید این حق انسان نیست برای همه انسان‌ها می‌گوید یا خیر، باید گفت که تعریف اسلام از این حقوق با تعریف ماده يك حقوق بشر متفاوت است.

این استاد حوزه علمیه، عنوان کرد: یکی از مهم‌ترین حق‌هایی که اسلام برای همه انسان‌ها قائل است حق توحید و تکامل است در حالی که در حقوق بشر غربی چنین تعریفی از حقوق انسانی ارائه نشده است؛ چون انسان را این گونه ندیده‌اند و به این مسئله نیز توجه ندارند نه اینکه این اصل را قبول نداشته باشند؛ به طور کلی این حق چه درست باشد چه نادرست اگر درست است برای همه انسان‌ها درست است و اگر نادرست نیز باشد برای همه انسان‌ها حکم می‌کند؛ این که تا الان گفتیم يك اثبات حق کردیم از منظر اسلامی که برای همه انسان‌ها هست ولی در اعلامیه اثری از آن را نمی‌بینیم؛ معکوس این مطلب نیز وجود دارد که حقی در اعلامیه حقوق بشر وجود دارد که در حقوق اسلامی اثری از آن دیده نمی‌شود که ما به آنها، آزادی‌های ضد تکاملی می‌گوییم که در اسلام نیست ولی در اعلامیه حقوق بشر وجود ندارد؛ البته آنها به این صراحت این آزادی‌ها بیان نکرده‌اند ولی بیان کرده‌اند که آزادی تا آنجا که به آزادی دیگران ضربه نزند مجاز است که در اینجا اخلاق آنها نیز فراتر از حقوق انسان است.